

سه کاف شماره ۷

۱- در شماره‌ی قبلی (ششم) "سه کاف" درباره هنر کیر مکیدن یا کیر خوردن دهانی مطلبی نوشتم و قول دادم که مطلبی هم درباره هنر کس لیسیدن بنویسم. این شما و این هم "هنرآموزی من".

هنر کس لیسیدن

مقدمه

برای خیلی‌ها هیچ لذتی بهتر و بالاتر از کس لیسیدن وجود ندارد. مرد (یا زن لزبینی) که با شوق و ذوق و حوصله و مهارت، انگشتان و دهان و زبان را بخدمت فتح کس، این قبله‌گاه مومن و ترسا، می‌گیرد و زن و یا دوست دختر خود را به مرحله‌ی اورگاسم می‌رساند؛ نه تنها فاتح کس که فاتح قلب و کس هردو خواهد بود.

مگر کدام زن است که از لیسیده شدن آلتش تا مرحله‌ی اورگاسم لذت نبرد؟ اگر زن و یا دوست دختر شما از اینکار لذتی نمی‌برد، بهتر آن است که گناه را به گردن او نیندازید، شاید وقت آن رسیده که این هنر را یاد بگیرید، چرا که کس لیسیدن برای خود هنری است و بس و حیف که مردها (و همینطور زنان لزبین) از آن محروم باشند چرا که کس لیسیدن لذتی است که فقط کس لیسان و زنان و دختران کس لیسیده شده دانند و بس.

نرم و ارزشهای جامعه‌ی ما طوری است که زن را "مزرعه‌ی مرد" میدانند و گویا خدا به این دلیل به زن کس داده که یا بچه درست کند و یا به مرد حال دهد. از حال کردن و لذت و کام‌جوئی زنان کسی حرفی نمی‌زند. اصل قضیه اما چیز دیگری است، بهر حال اینها را به این دلیل می‌گویم که از یک طرف خیلی از مردان و پسران ایرانی در یک عمل جنسی فقط به خودشان فکر می‌کنند و از طرف دیگر بسیاری از زنان هم، با توجه به فرهنگ عامه با جنسیت خود و بخصوص اورگاسم آشنائی ندارند و ممکن است در عمر خود آن را تجربه نکنند. این به ضرر هردو، هم زن و هم مرد است. علاوه بر این، بعضی‌ها آمدن آب مرد را تنها یک سوم خوشی یک

هم خوابگی میدانند و معتقدند که دو سوم دیگر آن لذت و خوشی ناشی از اورگاسم زن است. با توجه به همه آنچه گفته شد، برای رسیدن به اورگاسم، زنان، به اعتماد، صداقت و وقت کافی نیازمندند. پس خودخواه نباشید و طوری رفتار کنید که زن متوجه شود که شما برای هر مدت که او لازم داشته باشد، در کنار او خواهید بود، که به او فکر می‌کنید و می‌خواهید ارگاسم او را ببینید، چون از این کار خوشتان می‌آید و لذت می‌برید و این را بدون توقع و چشمداشت انجام می‌دهید. خودخواهی مردان، در بسیاری از مواقع به ناکامی جنسی زن منجر می‌شود. انسان متمدن و امروزی، حداقل در سکس خودخواه نیست.

با صبر و حوصله شما و پرهیز از خودخواهی، گره کار بسیاری از زنانی که بنا به دلایلی با لذت جنسی و کام‌جوئی خود مشکل داشته‌اند، باز می‌شود. این کار در رها کردن و آزادسازی تنش‌های مربوط به ارگاسم و "خودمانی" شدن زن نقش مهمی دارد.

شروع کار

برای شروع کار، ابتدا باید از کس لیسیدن خوشتان بیاید و گرنه همان به که سراغ آن نروید.

شکی نیست که میتوان یاد گرفت و از کس لیبسی لذت برد و لذت داد. گی‌ها بکنار، قول میدهم که این کار ارزش بیش از یکبار آزمایش را دارد؛ و هم خود شما و هم زنی که با او همبستر شده‌اید، لذتی خارق‌العاده را تجربه خواهید کرد.

درست است که فروکردن کیر در یک کس گرم و نرم و لزج، خود لذتی فوق‌العاده است، اما اینکه "با صد هزار دیده" به ضیافت کس بروید و با انگشتان و زبان و دهان بجان کسی برآشفته از هوس و شرر بیفتی و آن را تا سرحد اورگاسم بلیسی، خود نوع دیگری از آن کامجویی‌های آنچنانی است که در توصیف نمی‌گنجد.

اگر واقعا می‌خواهید که همسر و یا دوست خود را بیشتر و بیشتر به خود علاقمند کنید، لیسیدن کس او یک شرط واجب است و هر چه بیشتر-بهرتر.

در سکس، نظافت و بهداشت دوطرفه لازم و ضروری است، علاوه بر آن تراشیدن و زایل کردن موهای اطراف آلت تناسلی هم در خدمت نظافت بیشتر است و هم یک ادویه برای اشتهای سکسی دوطرفه. ما ایرانیها، واجبی را خوب می‌شناسیم، اما کسانی که به آن دسترسی ندارند، یافتن تیغ ریش تراشی نباید چندان سخت باشد.

بعضی از زنان فمینیست بر این باورند که تراشیدن موی اطراف آلت تناسلی زنان، یک ارزش مردسالار و در خدمت جنسیت مردان است و به همین دلیل به چنین کاری اکراه می‌ورزند. چنین برخوردی بمعنای ساده کردن (اگر نگوئیم لوث کردن) قضیه است، چرا که تراشیدن موی اطراف آلت تناسلی، جنسیت زن را عیان‌تر و برجسته‌تر می‌کند و آن را در "انظار" قرار می‌دهد، امری که نه متعصبین مذهبی و نه "غیرت" مردان ایرانی تاب تحمل آن را ندارد. درست به همین دلیل تراشیدن موی آلت تناسلی، یک عمل و موضع فمینیستی و ضد ارزشهای مردسالار است. مسئله دیگر این است که یک آلت بی مو و "بیرون زده"، به افزایش لذت جنسی هردو طرف منجر می‌شود. (فراموش نکنیم که کسانی هم هستند که کلاً از آلت تناسلی نتراشیده و مودار بیشتر لذت می‌برند- بهر حال این یک سلیقه است و باید آن را محترم شمرد.)

اگر زن و یا دوست شما، برخلاف میل اتان، مایل به تراشیدن موی آلت خود نیست، بهیچوجه به زور متوسل نشوید. بلکه خود پیشقدم شوید و موهای اطراف آلت خود را بتراشید، به او پیشنهاد کنید که موهای آلت او را برایش بتراشید. (اگر امکانش را دارید- در حمام موهای همدیگر را بتراشید که خود عملی بوالهوسانه و خیلی سکسی است و ادامه کار به خیلی جاها می‌کشد).

موهای او را با هوس و حالتی اروتیکی بتراشید و بعد کس‌اش را برای مدتی طولانی بلیسید. خوبی دیگر کس و کیر تراشیده این است که همه "میدان" جولانگاه دست و دهان و زبان می‌شود، و از شر اینکه هرازگاهی سر را کج کرده و مو را از دهان بگیرید، راحت می‌شوید.

تکنیک کار

حریصانه و با ولع اما نرم و با احساس بلیسید. از تماس دندان با آلتی به این زیبایی و ظرافت اکیداً بپرهیزید. با دقت و حوصله به کشف این آیت الهی بنشینید. نور کافی با رنگ مورد پسند هردوی شما در اتاق یادتان نرود. بلیسید، بچشید، ببوئید، مزه کنید، گاهی با زبانی پهن و تشنه و "له له کنان" بلیسید و گاهی نیروی بیشتر در زبان گذاشته، کمی آن

را دراز کرده در کس فرو برده، کس را با زبان بگائید، لب و لوچه داخلی و خارجی آن را لیس بزنید. آبش را مزه کنید و... این کارها حالت نشئه کننده‌ای به زن می‌دهد که شما خوابش را هم نمی‌بینید و یادتان نرود که به عکس‌العمل و واکنش زن توجه داشته باشید. - حتی می‌توانید از او بپرسید که کدام روش را بیشتر می‌پسندد. صحبت کردن در بعضی مواقع کلید حل بسیاری از معماهای احتمالی یک هماغوشی است.

اگر موقع لیسیدن، زن به نفس نفس بیفتد و یا آه و ناله‌های ناشی از لذت سر دهد، این احساس خوشی و رضایت خاطر او را می‌رساند که یعنی از این کار خوشش می‌آید. علامت دیگر احساس کامجویی زن می‌تواند این باشد که زن باسن خودش را هرچه بیشتر بالا می‌آورد و کس‌اش را بیشتر و بیشتر به صورت شما می‌چسباند. یادتان باشد که برای کس لیسیدن یک نسخه حاضر و آماده وجود ندارد، روشها بسیار متفاوت است. بهمین دلیل، انواع روشها را آزمایش کنید. روشی که دیشب از آن لذت بردید، ممکن است امشب زیاد به دلتان نچسبد و از روشی که سه روز پیش زیاد خوشتان نیامد، ممکن است شما را امشب به عرش آسمان برساند. گاهی لیسیدن تند و "وحشی- حیوانی" دوطرف را آنقدر حشری می‌کند که ممکن است داد و بیداد مستانه و پرهوس‌اشان، بچه همسایه را هم از خواب بیدار کند و گاهی هم لیسیدن نرم و ملایم لذتی جانانه و عاشقانه بجان هردوی شما می‌ریزد.

تکرار می‌کنم: یادتان نرود که خودخواه نباشید و به طرف مقابل هم فکر کنید.

استفاده از تمام صورت هم روش دیگر لس لیسیدن است. یعنی توی کس غرق شوید طوری که تمام سر و صورتتان از "آب حیات" کس خیس شود، با لبهای خود لبهای کس را "گاز" بگیرید، موقع که با زبان کس را می‌گائید؛ زبان را فقط بطور مستقیم داخل و خارج واژن نفرستید، بلکه به حاشیه و جداره‌های داخلی و خارجی کس، چوچوله، برآمدگیهای اطراف و.... همینطور می‌توانید دماغ خود را روی چوچوله متمرکز کرده و زبان را به درون بفرستید، حرکات سر یادتان نرود؛ روشی که همزمان با زبان گائی کس، دماغتان کار مالش چوچوله را انجام می‌دهد. سعی کنید زن را با حرکات غافلگیر کننده بیشتر و بیشتر مهیج و حشری کنید- کاری که بر شدت هوس او می‌افزاید و در خلاصی هردوی شما از ذهنیتها و قید و بندهای احتمالا بجا مانده از آموزشهای غلط دینی-اجتماعی در رابطه با سکس می‌رهاند. دستها را هم بیکار نگذارید. عکس همدیگر بخوابید (به پهلو و یا روی همدیگر) طوری که سر یکی در کنار آلت دیگری قرار بگیرد و همزمان به جان کس و کیر هم بیفتید. روی کمر بخوابید و از زن بخواهید که روی صورت شما بنشیند و او را بلیسید. روش دیگر اینکه زن روی کمر میخوابد و پاهایش را طاق باز نگه می‌دارد و شما لای پای او می‌روید. یادتان بماند که چوچوله زن بسیار حساس است و تندی را بر نمی‌تابد، پس با احتیاط با آن رفتار کنید.

اگر با لیسیدن‌های طولانی زن شما به اورگاسم نرسد، همزمان با لیسیدن، انگشتان خود را بدرون فشار داده، نقاط حساس **A** و **G** را پیدا کرده مالش دهید، حرفهای سکسی بزنید، او را تهییج کنید. در حین اورگاسم، لیسیدن خود را ادامه دهید اما بسیار نرم و لطیف، چرا که آلت زن بخصوص کلیتوریس در این لحظات بسیار حساس است.

موفق باشید.

تجربه‌ها تونو بخونیم و تعریف کنیم.

x- برای آشنائی با نقاط آ و گ، به شماره ۶ سه کاف، نوشته دلیلی دیگر بر استقلال جنسیت زنان، مراجعه کنید.

۲- نتیجه خواندن "سه کاف" = گائیدن دختر خاله

آقا، ما بقدر یک دنیای بزرگ به شما بدهکاریم.....، چون با حرفهای حشری کننده‌ای که می‌نویسید من تونستم دختر خالمو که سالها تو فکرش بودم، رو بکنم. حالا واستون تعریف می‌کنم:

همه‌ی فک و فامیل ما خونه دایم دعوت بودن. من و دختر خاله‌ام قرار شد که چون دانشگاه داریم، بعداً از خونه ما حرکت کنیم. بهمین دلیل هم مامانش، لباس مهمونیشو گذاشته بود خونه ما.

دختر خاله دیر کرده بود، من کار خاصی نداشتم جز اینکه منتظر او باشم، پس رفتم پای کامپیوتر. دختر خاله که سر رسید، اون هم اومد پای کامپیوتر و ازم خواست که یک سایت جالب رو واسش بیارم؛ من هم سایت "سه کاف" رو آوردم و شروع کردیم دوتا از مطالب حشری کننده سایت رو خوندن..... هی سینه‌هاش داشتند سفت می‌شدند..... یه جوری انگار به دختری که واسه شما مطلب فرستاده بودن، داشت حسودی اش می‌شد. همین موقع دست انداخت و با کیرم ور رفت، بعد زیب شلوارمو وا کرد و شروع کرد به مکیدن.....داشتم می‌مردم.....خوابوندمش رو تخت و شروع کردم به کردن.....و هی تو ذهن و خیالم از سایت "سه کاف" قدردانی می‌کردم.

سه کاف: به این میگن خواننده نمک شناس

۳- خواهر زری

سالهای جنگ بود و اوضاع قرش میش..، نکبتی‌ها، بی خود و بی جهت از اداره اخراج کردند. آخوندها که اومدن، تو اداره همه یکهو سر خر شدن؛ و رفتن تو جلد حزب الهی؛ حتی زری که از دربون اداره گرفته تا حسین آقای شوfer، همه رو گائیده بود. یادمه یک روز آمد و گفت: "فری (فریده)، یه آقای سیلوئی هست که گویا راننده اتوبوسه، خیلی خوش تیپه و از سبیلش میشه فهمید که یه مال درس حسابی داشته باشه" گفتم زری اگه شوهرت بفهمد خشتک تو رو از پاهات میکشه و بیرون میکند. گفت: "گور باباش، مرتکه مزخرف. مگه دیوونم که به کسی بگم، تو که به اش نمیگی" گفتم نه.

یک هفته بعد بود که به محض ورودم به اداره، زری لبخندی زد و چشمکی تحویل داد و عصر که با هم از اداره بیرون زدیم، هی از حسین آقا، از سینه پر پشم حسین آقا و از خایه‌های حسین آقا گفت؛ از اینکه چون جائی پیدا نمیکنند، تو همون گاراژ، حسین آقا زری رو دزدکی وارد اتوبوس میکنه، پرده‌ها رو میکشه و رو صندلی پشتی اتوبوس ترتیبشو میده،

اونهم نه یک بار بلکه سه بار .
میگفت: "حسین آقا حرف نداره، مثل خروس ، پائین نیومده، دوباره راستش میکنه و می‌چپونه اون تو."
و ما هی می‌خندیدیم و ریشه می‌رفتیم.
حالا زری رفته بود اداره آمار و اسم خودش را گذاشته معصومه موسوی و تو اداره شده :
خواهر موسوی. و هی به من بند میکرد که باهاش برم نماز جماعت تو آبدارخانه قبلی که حالا
شده بود مسجد اداره. همون آبدارخونه که زری همانجا یک روز، کیر سرایدار رو خورده بود.
از دستش هم دلخور بودم و هم کلافه. یک روز تنها گیرش آوردم ، چاک دهنمو کشیدم و گفتم :
بین، خانم موسوی، سابقه تو دست منه، اگه دست از این حزب الهی بازی برداری، پته تو را
میندازم رو آب. چیزی نگفت و رفت و سه روز بعدش حکم اخراجی ام را از رئیس اداره آقای
فرهمند گرفتیم. نکبتی‌ها.

۴- حراجگران تن

اگر جفای روزگار و ظلم ظالمان از هم جدایمان کرده، اما وفای فانتزی را داریم .
پس بگذار دریچه را بگشایم:
هنوز در آپارتمان را از پشت نبسته‌ایم که در همان راهرو، زبانها مان مشتاقانه در هم
می‌پیچیند، لباسها هر کدام به گوشه‌ای پرتاب میشوند و همچنان بوسه، بوسه،
لب، گردن، زبان، زبان ، زبان
زبان در زبان فاصله راهرو به اتاق خواب را که طی می‌کنیم، به در و دیوار میخوریم اما
چیزی را حس نمی‌کنیم جز صدای تپش قلبها مان، بوی تن‌های تشنه، مزه‌ی عشق،
نمک تن، خواهش نفس، راز، نیاز، نفس‌های تند.....
به تخت که می‌رسیم، آخرین بازمانده‌های لباسها را حریرانه از تن هم می‌دریم؛ در اتاق
پخش می‌شوند، کنار آئینه، روی صندلی، گوشه‌ی تخت.....
همدیگر را سخت در آغوش می‌گیریم، گرسنه از اینهمه نیاز، خسته
از اینهمه دوری. همدیگر را می‌بلعیم، سخت در هم پیچیده، در تلاشیم که تن‌ها مان
وحشی و سرکش تا نهایت ممکن از هم پذیرائی کنند؛ حراجگر تن شده‌ایم. ما به فتح
هم آمده‌ایم، به فتح عشق، لذت، هوس، راز، نیاز، تمنا، خواهش....
بوسه‌های عمیق زبان در زبان، گوشه لبها، پرده گوشها، گردن ، شانه و سینه‌های هیچکدام
از غارت زبانم در امان نمی‌مانند، می‌لیسم ، می‌بویم.
تن‌ات سرزمین شگفتی‌های من است و فراخنای سینه‌ات با آن موهای افسونگر، برانگیزاننده
محرم‌ترین رازهای شیدائی من.
یاغی و سرکش به میانشهر پاهایت می‌رسم، جنبندگی مجسمه هوس خیزت با آن هیبت
درازنای‌اش، شهوت آزمندانهم را صدچندان میکند، سرشار از هوس، سرمست و عشرت
پرستانه به دهانش میگیرم، نبض قلبت را از مجاری آلت کمان کرده‌ات در دهانم حس می‌کنم.
بی‌قراری امانان نمی‌دهد.....تن‌ها مان همنشین هم میشوند و رویاهای زهدانهای یکدیگر را

از شرابخانه میان شهری هم می نوشیم.
به مراد و آرزوی هم رسیده ایم.

=====

سه کاف شماره ۸

۱- خانه های عفاف و کس کشی آخوندی

حتما خبرش را شنیده اید که جمهوری اسلامی میخواهد "خانه های عفاف" را در ایران راه اندازی کند. خانه های عفاف یا مفرد آن "خانه عفت" همان چیزی است که گویا در گذشته به اسم "شهر نو" در ایران معروف بوده است؛ اما این یکی از نوع اسلامی آن می باشد. برای اینگونه "خانه ها" اساسنامه و دستور کار اسلامی را هم نوشته و اینکه چه کسانی با کدام پست و مقام، مسئولیت آنها را بعهده بگیرند، صیغه را بخوانند و "انشاله مبارک باشد" را بگویند هم تعیین کرده اند، و قیمت ها را هم بریده اند.

آخوندها آنقدر این ملت و کشور را چاپیده اند که دیگر چیزی برای چاپیدن نمانده؛ و مردمی که میتوانند، از شدت فقر و نداری کلیه های خود را پیش فروش کرده اند پس می ماند تن فروشی. این برای آخوندها هم یک گنج باد آورده است و هم راه نجات. چه اگر برای اینهمه کس و کیر سفت شده جوابی نیابند، جوونا آخوندها را خواهند گائید و دهانشان را سرویس خواهند کرد، پس همان به که جنده خونه راه بیندازند و اینهمه کیر و کس تشنه و گرسنه را "به راه راست" هدایت کنند تا هم دهان آخوندها در امان بماند و هم کیف پولشان پر پول تر شود.

اما در ایران اسلامی، خانه عفت باید تا سرحد امکان شرعی و اسلامی باشد و برای آنکه خدای ناکرده مبادا عملی "غیر اسلامی" در آنجا صورت بگیرد، پیشنهاد میشود که مصباح یزدی مسئول پخش کاپوت شود و محمدی گیلانی مسئول دادن حوله برای غسل بعد از عمل، اما شغل درباری حتما و بدون هیچ اما و اگری باید به نماینده امام زمان بر روی زمین - یعنی حاج آقا سید علی خامنه ای سپرده شود. امام خامنه ای هم نباید از این واهمه داشته باشد که ممکن است عده ای از خدا بی خبر و منحرف از صراط مستقیم، او را کس کش و جاکش بنامند - اصلا دشمنان هر چه میخواهند بگویند، آقا به وظیفه شرعی و اسلامی خودشان عمل کرده و می کنند. البته فقط یک مسئله میماند و آن اینکه ممکن است یک هموطن غیر مسلمان (اگر غیر مسلمونا تابحال تو ایران منقرض نشده اند) مثلاً یک مسیحی ختنه نکرده بخواد به یکی از این خانه های عفاف سر بزند و با یک دختر مسلمان بخوابد (داستان آن تاجر بیچاره آلمانی و دختر دانشجو در مشهد که یادتان نرفته)، پس چه بهتر که دربان - ببخشید نماینده امام زمان، حاج آقا سید علی خامنه ای کیر هر مردی که قصد ورود به خانه عفت را داشته باشد، بازبینی کند و مطمئن شود که یارو ختنه شده است.

البته ممکن است که کیر یارو همانجا در دست سید علی راست شود - خب چه اشکال داره - آخوندها که همیشه هم از توبره خورده اند و هم از آخور و سکس هم در اسلام جایگاه والائی دارد - چرندیات و ترهات - ببخشید رساله امام خمینی را هم که خوانده اید، پس مسئله ای پیش نخواهد آمد اگر که

سید علی کیر راست شده یارو را بدهان بگیرد و مزه کند. این دال بر وظیفه شناسی رهبر است نه چیزی دیگر.

می ماند رئیس شورای مصلحت نظام، آقای رفسنجانی که نخود هر آشی می شود و نباید تو این معامله بیکار بماند، پس چه بهتر که ژتون فروش یکی از این خانه های عفت شود. راستی ریخت و پاش تو مملکت اسلامی مجاز نیست پس برای جلوگیری از اینهمه حیف و میل اسپرم و آب کس، بهتر است یک بانک اسپرم اسلامی هم در کنار عفت خانه ها زده شود و مقوله آنها هم به آقا زاده ها داده شود، البته شاید آنها تقلبی کنند و اینهمه اسپرم را نوش جان کنند ولی مانعی ندارد، یک چیزی حتما اضافه می آید تا آن را لوله کشی کرده و به مدرسه فیضیه و علمیه و امثالهم برسانند و طلبه های تشنه را سیراب کنند.

و بیچاره روشنفکر ابرونی که داره برای این کار آخوندها توجیهات شرعی و قانونی میتراشه. اصلا اسم "جمهوری اسلامی" نحس است چه برسد به قیافه اش که سرتاپا فول است. جمهوری اسلامی باید برود و شر خود را از سر این کشور و ملت گم کند.

۲- خواب سه کافی تورج میرزا و سیمین

هفته قبل به محض اینکه "سه کاف" شماره ۶ بروی اینترنت آمد، فوراً و با اشتیاق بسیار شروع کردم به کلیک کردن روی یکایک تیتراها.... کمتر از نیم دقیقه متوجه شدم که موضوع "هنر کیر مکیدن"، بیش از هر مورد دیگری برایم جالب و با جاذبه به نظر میرسد..... حقیقتاً تاکنون با زبان فارسی، یک چنین مطلبی نخوانده بودم، دهانم و کس ام بشدت آب افتاده بودند، گوئی "مارتا استیورد" داشت تو تلویزیون دستور پختن یک دسر خوش مزه را می داد..... دلم هوای کیر "تورج میرزا" را کرده بود..... اما حیف که به کیر او دسترسی نداشتم..... بعد از مطالعه نیمی از "هنر کیر مکیدن" تصمیم گرفتم که با فرستادن یک ای میل با تورج میرزا (که در آنور آمریکا زندگی می کند) تماس گرفته و در اصل ابراز کیر لیبی کنم.

در ای میل به تورج میرزا نوشتم: "کی بشه کیر شما را به این طریق بخوریم" و آدرس مقاله در سایت سه کاف را برایش نوشتم.

تورج میرزا پس از ۲ روز با شعری این چنین بمن پاسخ داد:

ایا سیمین رفیق کهنه کارم

بیا یک بار آبت را بیارم:

هوس کردی بمیکی کیر من را

برون آری ز تخمم شیر من را

نوشتی نامه ای سوزان چو آتش

مرا کردی سر پیری مشوش
بخوابم آمدی کون برهنه
چو سقائی که آید سوی تشنه
نشستی روی چهرم شادمانه
زدی برسوی کیر من کمانه
گرفتی کیر من را در دهانت
زدی لیس و مکیدی با لبانت
از آن سوی بود پاهایت گشاده
گل آتش به انبانم نهاده
گشودی کس، نهادی بر دهانم
چوچولت بوسه‌ها زد بر زبانم
خوراندی آب و من خوردم ز آبت
شدم یکبارگی مست و خرابت
چو خوردم آب تو در حد کافی
شدم بیدار از خوابی سه کافی

در جواب تورج میرزا یک نقاشی از کیر لیسیدن کشیدم و نوشتم:
".....شاعری گر تو، بیا کیرت خورم
با دو تخمت نیز یک املت کنم!"
بقیه برای بعد.

۳- غیرت و ناموس پرستی

تو ایران کسی نیست که با کلمات غیرت و ناموس آشنا نباشد. اما تابحال کسی
تو لاک ایندو کلمه نرفته و مفهوم آنها را مشخص نکرده است، که این دو
مفهوم چه تاثیری در فرهنگ جنسی جامعه، روابط افراد خانواده و ... داشته و
چه بلاها که بر سر ما ایرانیان و بخصوص زنان ایرانی نیاورده‌اند.
من اینجا می‌خواهم تو نخِ ایندو کلمه بروم.
در فرهنگ فارسی عمید این دو کلمه اینطور تعریف شده‌اند:
ناموس = (عربی) - (بضم میم) شرف، عفت، عصمت، راز و سر، صاحب سر، آگاه و مطلع
بیاطن امور، مرد ماهر و کاردان، کمینگاه صیاد، نوامیس جمع ناموس.
غیرت = (عربی) - (بفتح غین و را) رشک بردن، حمیت، ناموس پرستی، رشک.
در زندگی روزمره، وقتی دختری، دوست پسر می‌گیرد، و یا حتی با کسی می‌خندد، همه،
برادر، پدر و حتی مردان قوم و خویشِ دختر را به بی‌غیرتی متهم می‌کنند، به این دلیل ساده

که این "مردان خانواده" جلو دختره را نمی‌گیرند، دختره دارد با ناموس آنها بازی می‌کند و الا آخر که خودتان بهتر می‌دانید. این سرزنش‌ها و غیبت‌ها و توگوشی حرف زدن آنها آنقدر ادامه می‌یابد تا اینکه بشکلی بگوش یکی از این "مردان خانواده" میرسد؛ تازه اگر هم آنها خود را بکوچه علی چپ بزنند، یکی از دوستان آنها، از روی "همدردی و دلسوزی" خصوصی موضوع را با آنها در میان می‌گذارد و از آنها طلب "عمل" می‌کند نتیجه: یکی از مردان خانواده بجان این دختر بیچاره می‌افتد و او را کتک کاری و خونین و لت و پاره می‌کند، او را از بیرون رفتن ممنوع و حتی از مدرسه هم بیرون می‌کنند. و حتی ممکن است دختره را بکشند. اطرافیان، بجای حمایت از دختر کتک خورده، برای مرد کتک زده، هورا می‌کشند و می‌گویند که او از ناموس خودش دفاع کرده و الحق که مرد ناموس پرستی است. در چنین جامعه‌ای و فرهنگی، انداختن گناه سرکوب زنان و نابرابری جنسی، تنها بگردن حاکمان، کل مطلب را ادا نمی‌کند. شکی در این نیست که حاکمیت میتواند و باید با وضع قوانین، برنامه‌های آموزشی و غیره در جهت رفع جهل و نادانی‌ها بکوشد، اما چنین درخواستی از حکومت آخوندها که هرچه توانسته‌اند به ناآگاهیها و جهل و خرافات دامن زده و قوانین قرون وسطائی تو جامعه دایر کرده‌اند، بی معنی است. اما نصف دیگر قضیه به مردم و بخصوص به ما جوانها برمی‌گردد.

پیشنهادات من برای جوانان و خوانندگان سایت شما این است:

- سعی کنید در رابطه با مسائل جنسی اطلاعات مفید، امروزی و مدرن داشته باشید.

- ذهن خود را از تعلیمات خرافی نسل گذشته و ملاها پاک کنید.

- از برابری و استقلال دو جنس مرد و زن دفاع کنید.

- اگر خانواده بخواهد بزور و برخلاف میل، خواهرتان را به کسی که او دوست ندارد

شوهر دهد، در برابر پافشاری خانواده بایستید و از خواهر خود دفاع کنید.

- اگر خواهرتان دوست پسر دارد، این را یک امر عادی و طبیعی بدانید و برای کسانی که

شما را بی‌ناموس و بی‌غیرت میدانند، روشن کنید که تفکرات آنها قدیمی است.

- اگر دختری با شما دوست شد، اینرا دال بر هرزه بودن و سبک بودن او قلمداد

نکنید. این دختر مثل خود شما نیاز جنسی عاطفی دارد.

- اگر به خود حق می‌دهید که دوست دختر داشته باشید، این حق را هم به خواهر

خود بدهید که دوست پسر داشته باشد(کسانی که این را نمی‌پذیرند- عقب مانده

هستند و رابطه با دوست دختر خود را نوعی "گول زدن" او میدانند. چنین شخصی

بینهایت ارتجاعی است.

- با دوستان و همسن و سالان خود در رابطه با مسائل بالا بحث و گفتگو کنید

و در پی‌ریزی یک فرهنگ جنسی سالم مشارکت داشته باشید.

با احترام: گلی

۴- شاعری به اسم جندقی حدود ۱۵۰ سال پیش در شیراز زندگی میکرد. شعر زیر را حدود سی سال پیش، وقتی که برای بار اول از کتابخانه‌ای در پارک شهر در خیابان خیام به امانت گرفتم، خواندم. یادم هست که در آنجا کتابهای دیگری هم از جندقی بودند؛ او اشعار زیادی درباره فلسفه و مذهب سروده و همینطور هجویاتی هم دارد، اما نمیدانم که آیا امروز کتابهای او همانجا هستند یا نه. ولی این شعر او را برایتان می‌فرستم:

گویند که پشم کس لیلی
ز اندازه گذشته بود خیلی
بر حجره نشسته پشم می‌کند
پشمی که حال خشم می‌کند
ناگاه ز دور شد غباری
در پشت غبار، شتر سواری
آمد بر خیمه، نامه در دست
بر تارک خیمه نامه بر بست
مجنون بنوشته بود: "لیلی،
میل به کس ات مراست، خیلی
از دست تو سگ پدر فکارم،
هرشب کس گرگ می‌گذارم
تا شوهر جاکش ات بمیرد،
مجنون چه کند تو را بگیرد؟"
لیلی چو بخواند نامه دوست،
بر کند ز فرج خویشتن پوست
انگشت بزرگ خود قلم کرد،
با آب کس اش چنین رقم کرد:
"ای شوهر اصل کاری من،

کیرت شتر سواری من،
از دور بده سرش ببوسم،
کیرت به کس ام، چسات به گیسم،
دستت چو نمی رسد به دستم،
یک پشم کس ام به نامه بستم."
جندقی